

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/10

مبحث دوم:

«تثویب» (الصلوة خیر من النوم) در اذان

بحث امروز در رابطه با موضوع دوم امسال ما «تثویب» است. «تثویب» از ثاب یثوب یا ثَوَّبَ یَثَوِّبُ است. در حقیقت «تثویب» عبارت دیگر «الصلوة خیر من النوم» است.

وجه تسمیه تثویب :

این که چرا به این موضوع «تثویب» می گویند، خود اهل سنت در پاسخش مانده اند. معنای تثویب یعنی «رجوع»، از باب این که بعد از آن که می گویند: حی علی الصلوة و حی علی الفلاح دوباره می گویند: الصلوة خیر من النوم، در حقیقت رجوعی است به دعوت به نماز و عبارت آخرای حی علی الصلوة است. روی این جهت، وقتی مؤذن می گوید: حی علی الصلوة و بعد دوباره برمی گردد و می گوید: الصلوة خیر من النوم، یعنی رجوعٌ إلی الدعوة المجددة الی الصلوة. لکن برخی در کتاب های لغت مثل فیروز آبادی و جوهری و غیره می گویند: تثویب یعنی الصلوة خیر من النوم، یعنی معنای تثویب مصطلح شده در الصلوة خیر من النوم. چه این که این الصلوة خیر من النوم در وسط اذان باشد یعنی بعد از حی علی الفلاح، یا بین اذان و اقامه باشد، چون اهل سنت بر هر دو اعتقاد هستند.

اینها همه نتیجه دور افتادن از اهل بیت و توصیه نبی مکرم به ثقلین است که وقتی انسان شریعت را از منبع و سرچشمه اصلی که متصل به وحی هستند نگیرد خالص ترین اعمال انسان هم که نماز است، دستخوش تغییر می شود. خود مالک در موطأ نقل می کند که: انس بن مالک غلام و صحابه پیامبر اکرم را در شام دیدم در حالی که گریه می کند. گفتم: ما بیکیک؟ چرا گریه می کنی؟ گفت: از شریعت پیامبر جز نماز چیزی نگذاشته بودند که آن را هم تغییر دادند. یا در تعبیر دیگری که شافعی در کتاب الأمّ از حسن بصری دارد، می گوید: اگر صحابه پیغمبر زنده شوند و به اعمال شما مسلمان ها نگاه کنند، هیچ آثاری از سنت پیغمبر در میان شما نمانده است!

نماز امیر المؤمنین (ع) مردم را به یاد نماز پیامبر اکرم (ص) انداخت:

در صحیح ابن ماجه دارد که: وقتی امیرالمؤمنین بعد از پایان جنگ جمل در بصره نماز جماعت خواند، صحابه ای که به حضرت اقتدا نموده بودند گفتند:

صَلِّي بِنَا عَلِي يَوْمَ الْجَمَلِ صَلَاةً ذَكَرْنَا صَلَاةً

این نماز خواندن علی [علیه السلام] ما را به یاد نماز های پیامبر انداخت.

سنن ابن ماجه، ج 1، ص 296، اسم المؤلف: محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني الوفاة: 275، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.

یعنی بعد از مدتی به یادشان آمد که نماز پیغمبر چگونه بوده است.

این هم از مصائب روزگار است که بعد از 20 یا 25 سال بعد از پیامبر اسلام آن قدر اینها در شریعت نبوی تحریفات و تغییرات انجام دادند، بدعت‌ها گذاردند که آقا امیرالمؤمنین می فرماید: «این دین در دست اشرار گرفتار بود به قدری تغییر دادند (که حدود 40 بدعت را نام می برد) که اگر من بخواهم این بدعت‌ها را تغییر دهم و به زمان پیامبر بازگردانم، همه حتی همین‌ها که در اطرافم هستند از اطراف من پراکنده می شوند». (مضمون روایت) **[فإن هذا الدين قد كان أسيراً في أيدي الأشرار يعمل فيه بالهوي، وتطلب به الدنيا (نهج البلاغه، خطبه هاي امير المؤمنين عليه السلام، ج 3، ص 95)]**

ظاهراً در همین قضیه جنگ جمل بوده که وقتی حضرت به کوفه آمد، دید که مردم در حال خواندن نماز تراویح هستند. حضرت به امام حسن فرمود: برو و به اینها بگو که این بدعت است و آن را کنار بگذارید. امام حسن سلام الله علیه آمد و وقتی اشاره کرد که این نماز تراویح بدعت است و نمی شود به جماعت خواند، مردم از گوشه و کنار مسجد فریاد برآوردند که: وا سنة عمراه. امیرالمؤمنین فرمود: حسن جان! چه گفتند؟ عرض کرد: وقتی گفتم که این نماز تراویح بدعت است گفتند وا سنة عمراه. (رجوع شود به: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، جلد 2، صفحه 283 و جلد 1، صفحه 269) حضرت فرمود: اینها را به حال خودشان رها کن.

اینها همه نشانه و اثر دور افتادن جامعه از اهل بیت عصمت و طهارت است که از جمله این مسائل همین قضیه تثویب و اضافه کردن الصلوة خیر من النوم است.

اقوال علمای شیعه در مسئله تثویب(الصلوة خیر من النوم) :

ما در هر بحثی که وارد می شویم تلاش می کنیم که ابتداء نظر فقهای شیعه و روایاتی که شیعه در این زمینه دارد مطرح شود و بعد می بینیم که در کنار آنچه که اهل بیت دارند، اهل سنت چه آورده اند و چه ساخته و پرداخته اند؟

در کتاب «الموسوعة الفقهية الميسرة» که نویسنده آن آقای محمد علی انصاری است و کتاب خوبی هم است می گوید:

و أما بالنسبة الي حكمه ففيه أقوالٌ: الأول القول بالتحريم

در رابطه با حکم تئویب چند قول است: قول اول قول به تحریم است.

الموسوعة الفقهية الميسرة، شيخ محمد علي انصاري، ج 1، ص 385.

قول اول: قول به حرمت

برخی از علماء قائل به حرمت هستند و (مثلاً) می گویند اگر کسی در وسط اذان بگوید: الصلوة خير من النوم حرام است. مختار شیخ طوسی در نهاییه، صفحه 67 همین است. همچنین ابن حمزه در الوسیله، صفحه 92 نظرش تحریم است، نظر ابن ادریس نیز در سرائر، جلد 1، صفحه 212 همین است، علامه حلی هم در قواعد، جلد 1، صفحه 266 و در مختلف، جلد 2، صفحه 131 قائل به تحریم است، مرحوم محقق کرکی یا همان محقق ثانی در جامع المقاصد، جلد 2، صفحه 190 قائل به تحریم است، مرحوم صاحب مدارک شاگرد مقدس اردبیلی در مدارک، جلد 3، صفحه 291 قائل به تحریم است و همچنین بزرگان زیادی قائل به تحریم هستند.

قول دوم: قول به کراهت

بعضی از بزرگان ما قائل به کراهت هستند؛ سید مرتضی در کتاب الإنتصار، صفحه 39 می گوید: تئویب مکروه است، شیخ طوسی در المبسوط، جلد 1، صفحه 95، کلمه «یکرّه» دارد، همین واژه را صاحب جواهر هم دارد. مرحوم محقق حلی استاد علامه حلی در شرائع، جلد 1، صفحه 76 قائل به کراهت است.

يك قول هم قائل به بدعت است.

در رابطه با بدعت و حرمت، شكي نيست كه اگر در اين زمينه قائل به حرمت شويم، چون ما رواياتي كه نشانگر اين باشد كه بتوانيم الصلوة خير من النوم بگوئيم، نداريم؛ ولي از آنجائي كه صاحب وسائل و صاحب مستدرک رواياتي از امام صادق عليه السلام آورده اند كه:

إذا كنت في اذان الفجر فقل الصلوة خير من النوم بعد حي علي خير العمل و لا تقل في الإقامة الصلوة خير من النوم
إثما هذا في الأذان

زمانی كه اذان صبح مي گويي بعد از حي علي خير العمل بگو: الصلوه خير من النوم و در اقامه اين چنين نگو! چرا كه اين جمله از آن اذان است.

وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، ج 5، ص 427.

ما يكي، دو روايت داريم. بعضي از كساني كه قائل به كراهت شده اند، گفته اند: وجه جمع روايات دلالت كننده بر حرمت و روايات دالّ بر جواز آن است كه حرمت را حرمت تنزيهي بدانيم و حمل بر كراهت كنيم. بنده ابتداءً اقوال را عرض مي كنم تا وقتي به روايات رسيديم، ببينيم كه با اين روايات چه كار كنيم. چند روايت وجود دارد كه ظاهر آنها جواز گفتن «الصلوة خير من النوم» در اذان صبح است و اينها از حيث سند هم ايرادي ندارند. پس قول اول قول به حرمت و قول دوم قول به كراهت است كه ما توانستيم تنها چهار قائل براي كراهت پيدا كنيم؛ سيد مرتضي، شيخ طوسي كه البته در نهايه قائل به حرمت ولي در مبسوط قائل به كراهت است، محقق حلي در شرائع و شهيد اول در ذكرى و ادله اين بزرگواران را خواهيم آورد كه صاحب جواهر اقوال و ادله هر کدام را مطرح کرده است.

قول سوم: قول به بدعت بدون اشاره به کراهت و یا حرمت

اما قول سوم که تعبیر کرده اند به این که: التثویب بدعة، بدون این که بگویند حرام است یا مکروه است. علامه حلی در غالب کتب فقهی اش تعبیر به «بدعة» دارد. شهید ثانی در شرح لمعه، مرحوم سبزواری در ذخیره، مرحوم کاشانی در وافی قائل به بدعت هستند که صاحب جواهر این اقوال را در کتاب خود ردیف کرده است.

قول چهارم: قول به اباحه

قول دیگر این است که کسانی قائل به اباحه هستند و می گویند: تثویب اشکالی ندارد، مثل ابن جنید اسکافی و محمد بن احمد بن ابراهیم جعفی، این قول را شهید در دروس، جلد 1، صفحه 162 از این دو بزرگوار نقل می کند. پس چهار قول در بین فقهاء در این زمینه داریم: تحریم، کراهت، بدعت و اباحه.

روایات عدم جواز تثویب در کتاب وسائل الشیعه :

اما روایات تثویب را مرحوم صاحب وسائل در وسائل، جلد 5، صفحه 425 در باب مستقلی به نام «باب عدم جواز التثویب فی الاذان و الاقامة و هو قول الصلوة خیر من النوم» جمع کرده است.

اولین روایت را ایشان از شیخ طوسی نقل می کند که این روایت صحیح است و هیچ مشکل سندی ندارد و این چنین آورده است معاویه بن وهب می گوید:

سئلت ابا عبدالله علیه السلام عن التثویب الذي يكون بين الأذان و الأقامة، فقال: ما نعرفه.

از امام صادق علیه السلام در باره تثویبی که بین اذان و اقامه است سؤال شد حضرت فرمودند: ما چنین چیزی نمی شناسیم.

الاستبصار، شیخ طوسی، ج 1، ص 308 - من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 1، ص 289 - تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 2، ص 63.

در اینجا واژه بین «الاذان و الأقامة» را دو نوع می توان معنا کرد: اول تثویبی که بین اذان است یعنی گفتن الصلوة خیر من النوم بعد از حی علی الفلاح و در اذان نیز همین طور. دوم این که بعد از آن که اذان را گفته و می خواهد اقامه را شروع کند، در بین این دو می گوید: الصلوة خیر من النوم. ظاهر روایت هم این معنای دوم را می رساند و بعضی از علماء اهل سنت هم قائل هستند به جواز الصلوة خیر من النوم بین اذان و اقامه ضمن این که در میان اهل سنت قائل به عدم جواز نیز وجود دارد که ان شاء الله در بخش اقوال اهل سنت اشاره خواهیم کرد.

این روایت را مرحوم شیخ صدوق هم در من لایحضر، جلد 1، صفحه 188 آورده است که سند او هم سند صحیحی است. کلینی روایت را از علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی از یونس و... که دوباره به معاویه بن وهب می رسد، نقل می کند که باز هم سند صحیح است و اگر در مورد محمد بن عیسی بن عبید بخوایم تأمل کنیم، چون شیخ صدوق آن را با سند صحیح آورده پس سند کلینی مؤید می شود و از درجه اعتبار نمی افتد. مرحوم ابن ادریس صاحب سرائر هم در آخر کتاب سرائر، روایت را با سند ویژه خودش آورده؛ محمد بن علی بن محبوب از عباس بن معروف که ثقة است، از عبدالله بن مغیره که ثقة است تا این که دوباره به معاویه بن وهب می رسد. در حقیقت در این باره - اگر سند کافی را صحیح بدانیم - چهار سند صحیح داریم که از امام سؤال می کنند از تثویب بین اذان و اقامه و حضرت می فرماید: ما نعرفه. این روایت اول از کتاب وسائل بود.

عزیزان در این باره می‌توانند کتاب الإِنصاف آقاي سبحاني، صفحه 151 و کتاب المنتهي علامه حلي و جواهر و خلاف شيخ طوسي را مطالعه داشته باشند.

روایت دوم؛ شيخ طوسي یاسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن احمد بن محمد - که منظور احمد بن محمد بن عيسي است، گرچه می‌تواند احمد بن محمد بن خالد نیز باشد ولي چون از طرف دیگر، عبدالله بن ابي نجران در سند وجود دارد راهی نداریم جز این که بگوئیم او احمد بن محمد بن عيسي رئیس قمیین است، شکی در ثقه بودنش نیست و از اصحاب اجماع هم می‌باشد، عبدالله بن ابي نجران هم ثقه است - عن حمّاد بن عيسي که از اصحاب اجماع است، عن حريض بن عبدالله که او هم ثقه و از اصحاب اجماع است، عن زراره که باز هم ثقه و از اصحاب اجماع می‌باشد. این روایت صحیحه اعلائی نیست ولي تمام روایتش از راویان معتبر درجه اول شیعه می‌باشند. زراره می‌گوید:

قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام، - في حديث - : إن شئت زدت علي التثويب حي علي الفلاح مكان الصلاة خير من النوم.

امام باقر عليه السلام فرمودند: اگر خواستی می‌توانی بر تثویب حي علي الفلاح به جای «الصلوة خير من النوم» دو بار دیگر «حي الفلاح» را اضافه بگوئی. (یعنی به جای «الصلوة خير من النوم» چهار مرتبه حي علي الفلاح بگوئی)

وسائل الشيعة (آل البيت)، شيخ حر عاملي، ج 5، ص 426.

این روایات، خود نشانگر این است که امام عليه السلام به صراحت نمی‌تواند حکم شرعی را بیان کند.

شیخ حر عاملی بعد از نقل روایت فوق می گوید: شیخ طوسی بعد از این روایت چنین می گوید:

قال الشيخ لو كان ذكر «الصلوة خير من النوم» من السنة لما سَوَّغ له العدول عنه الي تكرر

شیخ طوسی می گوید: اگر گفتن «الصلوة خير من النوم» سنت می بود نباید امام علیه السلام عدول از آن را جایز دانسته و به جای آن تکرار حی علی الفلاح را جایز بداند.

وسائل الشيعة (آل البيت)، شیخ حر عاملی، ج 5، ص 427.

یعنی همین نشان می دهد که الصلوة خیر من النوم جزء سنت نیست، اگر جزء سنت بود و جزء اذان مشروع بود نمی شد که امام دستور بدهد که ما یک عضو اساسی اذان مشروع را حذف کنیم و به جای آن حی علی الفلاح را تکرار کنیم، می گوید: همین تعبیر امام که «إن شئت زدت علی التثویب حی علی الفلاح مکان الصلوة خیر من النوم» به این معناست که «الصلوة خیر من النوم» سنت نبوی نیست، چرا که اگر سنت نبوی می بود عدول از آن و گفتن حی علی الفلاح به جای آن جایز نبود.